مطالعات تاریخ اسلام
سال نهم/ شمارهٔ ۳۳/ تابستان ۱۳۹۶

تاریخ و تبار اندیشه وحدت اسلامی میان فریقین در میان علمای معاصر امامیه

کامیار صداقت ثمرحسینی[۱]

چکیده: مقاله حاضر با رویکردی ساختارگرایانه و از خلال مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی، با مرور ادبیات و منابع گوناگون درباره وحدت اسلامی و تشریح تبار و شجره فقهی مهمترین عالمان وحدت‌گرا و تقریبی امامیه، چهار دسته ادبیات تاریخی (طرح نادرشاه؛ طرح اتحادیه اسلام؛ طرح فقه مقارن و طرح متون مشترک) را مورد بررسی قرار می‌دهد و موفقیت ایده تقریب مذاهب اسلامی را در گرو باهم دیدن همگی تجربیات و پیوند آنان در کنار یکدیگر می‌داند؛ به‌نحوی که محور عقیدتی آن بر پایه اصول مشترک و محور عملیاتی آن در میان فقهای فریقین با همراهی سیاستمداران و مصلحان اجتماعی باشد. ازاین‌رو هیچ‌یک از ادبیات و منابع تقریبی را نباید جدای از هم دید. پرسش‌های مورد توجه مقاله حاضر عبارت‌اند از: (۱) چند دسته ادبیات و منابع در خصوص اندیشه وحدت اسلامی موجود است؟ (۲) شجره آموزشی اندیشه تقریب فقهی در میان علمای امامیه در چه مکاتبی است؟

واژه‌های کلیدی: اتحادیه اسلام، تقریب مذاهب اسلامی، دارالتقریب قاهره، فقهای معاصر شیعه، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

---

۱ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز اسناد فرهنگی آسیا kamyarsedaghat@gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۸ تاریخ تأیید:۹۵/۱۱/۲۵

The Genealogy of "Islamic Unity Thought" among the Contemporary Imami Shiite Ulama

Kamyar Sedaghat Samar Hoseini[1]

Abstract: This paper, using a structruralist approach, together with an analytic-descriptive study of the various materials concerning "Islamic Unity", attempts to emphasize on four schemata for approaching the Islamic Unity, among the Imami Shi'i Ulama, i.e. the plan of Nadir Shah; the Unity of Islam (Ittiḥādīy-i Islām); the approach with regards to comparative Islamic Jurisprudence (al-Fiqh al-Muqāran); and the approach with regards to common documents and literatures. The paper, moreover, tries to show that these four approaches have to be seen in conjunction with each another, as an integrated system, in such a way that the theoretical aspect has to be grounded on common principles and the practical aspects have to be accepted by political and social reformers.

Keywords: Islamic Union, Proximity of Islamic Religious Thoughts, Dar al-Tarqrib (Cairo), Contemporary Shiite Scholars, World Forum for Proximity of Islamic Religion

1 Faculty Member for Institute for Humanities and Cultural Studies, Asian Cultural Documentation Center
kamyarsedaghat@gmail.com

مقدمه

تبار در لغت به معنای دودمان و اصل و نسب است و علاوه بـر پیونـدهای خویشـاوندی، بـر پیوندهای معنوی در کیش و عقیده و آرمان دلالت دارد، چنانکه گفته می‌شود: تبـار عارفـان؛ تبار محدثان؛ تبار عالمان و غیره. برای شناخت هر اندیشه ابتدا باید تبار آن را شناخت. تاریخ پلی است که گذشته را به آینده متصل می‌کند و برای شـناخت آینـدهٔ اندیشـه تقریـب میـان مذاهب اسلامی، ابتدا باید با تحولات و تجربیاتِ گذشته‌اش روبه‌رو شد.

مقاله حاضر با رویکردِ ساختارگرایانه و به‌گونه‌ای توصیفی- تحلیلی، سیر تـاریخ معاصـرِ اندیشه تقریب میان مذاهب اسلامی را با تأکید بر تبـار فقهـی عالمـانِ امـامی مـذهب مـورد بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس کوشش می‌شود تا ادبیات معاصر اندیشه وحدت اسلامی در چارچوب «مجموعه‌ای با هم» در نظر گرفته شود تا از این رهگذر تشکیل دارالتقریب قـاهره در گستره وسیع‌تری از تاریخ اندیشه تقریب و وحدت اسلامی مورد ارزیـابی و بـازبینی واقـع شود؛ به‌ویژه آنکه اینک مصادف با هفتادمین سالگرد تأسیس مؤسسه دارالتقریب بین‌المذاهب الاسلامیه (ربیع‌الاول ۱۳۶۶ ق / فوریه ۱۹۴۷م) در قاهره است. با توجه بـه آنچـه بیـان شـد، مقاله حاضر به بررسی انواعِ ادبیات و منابع در خصوص اندیشه وحدت اسلامی و ریشه‌هـا و تبار اندیشه جریان تقریب فقهی میان علمای امامیه می‌پردازد.

جریان‌های تقریبی معاصر

در طول تاریخ، دربارهٔ وحدت اسلامی و امت واحده اسلام، دیدگاه‌ها و گزینـه‌هـای چنـدی مطرح شده است. «امـت واحـده» اصـلی قرآنـی[1] و اصـلی نبـوی[2] و تردیدناپـذیر اسـت و در خصوص تحقق آن چند رویکرد کلی وجود دارد: (۱) وحدت مطلـق؛ (۲) وحـدت مصـلحتیِ عارضی؛ (۳) وحدت پایدار.

مخالفان شیعی و سنی دعوت تقریب با بدبینی نسـبت بـه طـرف مقابـل، داعیـان تقریـب مذاهب اسلامی را متهم به تلاش برای یکی کردن مذاهب اسلامی (سـنی و یـا شـیعه کـردن مسلمانان) و یا ایجاد مذهبی جدید کرده‌اند؛ در مقابل داعیان تقریـب همچـون شـیخ محمـود

---

۱ سورهٔ أنبیاء: ۹۲؛ سورهٔ مؤمنون: ۵۲.

۲ محمد باقر مجلسی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۱۹، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ط ۲، ص ۱۶۸؛ نیز نـک: محمـدواعظ‌زاده خراسانی (۱۳۷۴)، *ندای وحدت*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، صص۳۸-۳۹.

شلتوت و علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء با به رسمیت‌شناختن اصل اختلافِ عقاید و احترام به عقاید پیروان مذاهب اسلامی، وحدت مطلق را به معنای یکی کردن مذاهب مورد نقد قرار داده و کاملاً رد کرده‌اند.[۱] در واقع وحدت مطلق مطلوب مخالفان تقریب است که اسلام را تنها منحصر به مذهب خود می‌کنند. برای مثال از شیوخ سلفی وهابی می‌توان به محب‌الدین الخطیب در کتاب *الخطوط العریضة للمذهب الإثنی عشری* و ناصر القفاری در کتاب *مسالة التقریب بین أهل السنة و الشیعة* (در دو جلد) و از شیعیان نیز می‌توان به یعسوب‌الدین رستگار جویباری در کتاب *حقیقت وحدت در دین و حکمت عیدالزهراء علیهاالسلام* و نیز میرسیداحمد روضاتی در مقدمه ترجمه کتاب *مناظرة بین أحد علماء الشیعة مع عالم سنّة* اشاره کرد.[۲]

دیگر نوع وحدت، وحدت مصلحتی است که به وحدت به‌مثابهٔ یک تاکتیک و طرحی موقتی توجه دارد و چون معلول عوامل جبری خارج از متن دین همچون مصلحت‌ها و امیال است، مورد پسند اصحاب تقریب نیست.

داعیان تقریب از همان ابتدای کار، به دنبال الگویی فکری برای وحدت پایدار بوده‌اند و بدین منظور کوشیده‌اند تا متنی کلی و مشترک را بر پایهٔ منابع اولیهٔ اسلام (قرآن و سنت و عقل سلیم و اجماع) تنظیم کنند. به‌طورکلی دودسته ادبیات درباره وحدت اسلامی و به‌طور خاص تقریب فقهی میان مذاهب اسلامی موجود است که مجموعاً دارای چهار دسته منابع هستند که گاه متن‌هایی مشترک و بینابینی میانشان دیده می‌شود. موارد فوق عبارت‌اند از:

الف) ادبیاتِ اصلاح‌گرایانه سیاسی- اجتماعی: این دسته از ادبیات تقریبی، عمدتاً شامل دو دسته منابع است:

۱. منابعِ مربوط به وحدت نادرشاهی (مبتنی بر ایده توافق حاکمان و تأیید علماء)
۲. منابعِ مربوطه به اتحادیه اسلام (رونق یافته از دوران قاجاریه که رسائل جهادیه مربوط به دفاع از قلمرو عثمانی بدان منضم می‌شوند).

ب) ادبیاتِ فقهی و اعتقادی علمای فریقین: این ادبیات که نمونه بارز آن در «فقه مقارن»

---

۱ محمدتقی جعفری (۱۳۷۷)، *تکاپوی اندیشه‌ها*، ج۱، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ص ۳۰۸؛ جعفر السبحانی (۱۴۲۳ق)، *رسائل و مقالات*، ج۱، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام، ص ۴۲۱؛ مجموعة الباحثین (۱۴۱۷ق)، *مسالة التقریب بین المذاهب الاسلامیة اسس و منطلقات*، (التصدیر) عبدالله العلایلی، بیروت: دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة، ص ۲۱.

۲ برای شرح بیشتر نک: مهدی مهریزی (۱۴۳۵ق)، «تیارات التقریب بین المذاهب الاسلامیة، رصد و تصنیف»، *نصوص المعاصرة، السنة التاسعة*، العددان الثانی والثالث والثلاثون، خریف و الشتاء، صص۲۷۳-۲۹۲.

متجلی می‌شود، شامل دودسته از منابع است:

۱. اندیشه فقه مقارن در حوزه‌های علمیه امامیّه (که مثال بارز آن دارالتقریب قاهره است).

۲. اندیشه وحدت بر پایه اصول و متون مشترک (که قدمتی بسیار دراز دارد).

پس درمجموع عمدتاً چهار دسته منابع مهم درباره وحدت اسلامی و تقریب میان مذاهب فریقین شکل گرفت که به لحاظ نوع استدلال، از طُرُق زیر بهره گرفته‌اند:

۱. استدلال به قرآن کریم.[۱]

۲. استدلال به احادیث شریفه مانند خطبه‌های حجةالوداع به‌مثابه کلید امنیت جهان.[۲]

۳. استدلال به عقل به‌ویژه با بهره‌گیری از قاعده حسن و قبح عقلی.

۴. استدلال به وقایع مهم تاریخی، اجتماعی و فرهنگی که میان همه مسلمانان بین‌الاذهانی است.

منابعِ مربوط به وحدت نادرشاهی

این دسته از منابع به معرفی واقعه تاریخی وحدت فریقین بر اساس طرح نادرشاه افشار اختصاص دارند و به ارائه بیان روایتی گاه جانبدارانه از آن می‌پردازند. نادرشاه افشار کوشید تا با حل اختلافات مذهبی، آتش جنگ میان ایران و عثمانی را خاموش کند تا با خیال راحت به فتوحات خود در مناطق شرقی (خصوصاً هندوستان) بپردازد و نیز در مقابل تهدیدات روسیه تزاری آماده‌تر باشد. استاد محمد محیط طباطبایی به اقدامات نادرشاه – و تا حدّ کمتری، اشرف افغان که او نیز در دوران حکومت ناپایدارش در پی مصالحه و تفاهم مذهبی با عثمانی برآمده بود – به‌عنوان مدخلی برای بحث اتحاد اسلام در دوران سیّدجمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده توجه کرده است.[۳] طرح نادرشاه شامل موارد زیر بود: به رسمیت یافتن مذهب شیعه (فقه جعفری)؛ اختصاص رکنی از ارکان مسجدالحرام به

---

۱ برای مثال نک: سورهٔ آل عمران: ۱۰۳؛ سورهٔ حجرات: ۱۰.

۲ خلیل کمره ای (۱۳۹۴)، *کلید امن جهان در پرتو کلام رسول خدا (ص)*، با مقدمه و تحقیق کامیار صداقت ثمرحسینی، تهران: فرهنگ مشرق زمین، چ۱، صص ۳۵-۸۶.

۳ محمد محیط طباطبایی (۱۳۵۰)، *نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق‌زمین*، مقدمه و ملحقات هادی خسروشاهی، قم: دارالتبلیغ اسلامی، صص ۸۴-۹۳.

ائمه مذهب جعفری؛ تأمین امنیت حاجیان ایرانی (از راه شام به مکه)؛ آزادی اسیران طرفین و ایجاد نمایندگی دو کشور در پایتخت‌های یکدیگر؛ و البته این طرح رسماً مقرر می‌کرد که شیعیان حق هیچ‌گونه لعن و دشنام و توهین به مقدسات اهل سنت را ندارند. بدین منظور عهدنامه‌ای در ایران نوشته شد و علمای نجف اشرف نیز با آن موافقت کردند، ولی مورد موافقت دربار و مفتیان عثمانی واقع نشد.[۱] البته گفته می‌شود که چنین طرحی قدمتی طولانی‌تر داشته و در زمان سیّدمرتضی (۳۵۵ –۴۳۶ ق) حتی در میان علمای سلف شیعه نیز سابقه داشته است؛ هرچند مدارک قاطعی دراین‌باره موجود نیست.[۲]

ناگفته نماند که در میانه جنگ‌های عثمانی– صفوی، فتاوی تکفیری رواج بسیار یافتند[۳] که نقش مخربی در مقابل اصلاح امور داشتند. برای مثال نوح افندی (متوفی ۱۰۷۰ ق) از شیوخ تکفیری سلطان عثمانی، بی‌محابا فتوای جواز قتل شیعیان را صادر کرد با این عنوان که «مَن قَتَلَ رَافِضیاً واحِداً وَجَبَتْ له الجَنَّة» (بهشت بر هر کس که یک رافضی را بکشد، واجب است). پس از آنکه شاه صفی طبق معاهده صلح با عثمانی، بغداد را به دولت سلطان مراد چهارم عثمانی (حکومت: ۱۰۳۲– ۱۰۴۹ ق) واگذار کرد، همین فتوای ننگین موجب شد تا کشتاری بی‌رحمانه از شیعیان بغداد انجام شود.[۴] شیخ علی‌نقی کمره‌ای طغایی شیرازی (م ۱۰۶۰ ق) از معاصران شاه صفی و شاه عباس دوم در ردّ فتوای مذکور کتابی در دو مجلد، با عنوان *جامع صفوی* تألیف کرده است که شیخ حر عاملی از آن با عنوان «جواب مفتی الروم فی الامامة» یادکرده است.[۵] متن فتوای نوح افندی در باب «الردة و التعزیر» از کتاب *العقود الدریة فی تنقیح الفتاوی الحامدیة*[۶] اثر ابن‌عابدین (۱۱۹۸ – ۱۲۵۲ ق) موجود است و سیّدعبدالحسین

---

۱ محمد واعظزاده خراسانی (۱۳۷۴)، همان، صص ۲۴۱-۲۴۲؛ میرزا مهدی خان استرآبادی (۱۳۸۴)، *درّه نادره، تاریخ عصر نادرشاه*، مصحح سیّد جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ۳، صص ۷۵۷-۷۶۸؛ محمد محیط طباطبایی (۱۳۵۰)، همان، صص ۸۵؛ میرزا حسن حسینی فسایی (۱۳۷۸)، *فارسنامه ناصری*، تحقیق منصور رستگار فسایی، ج۱، تهران: امیرکبیر، صص ۵۶۲ – ۵۶۳.

۲ محمد واعظزاده خراسانی (۱۳۷۴)، همان، ص ۲۴۲.

۳ میرزا حسن حسینی فسایی (۱۳۷۸)، همان، ج ۱، ص ۵۶۱.

۴ ذبیح‌الله صفا (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، ج ۵، تهران: انتشارات فردوس، چ۸، صص۱۶۶-۱۶۷ و به نقل از *روضات الجنات*، همان، ج ۴، صص ۳۸۳- ۳۸۴.

۵ رسول جعفریان (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، ج ۳، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ص ۱۱۶۷.

۶ جالب توجه است که فتوای مذکور همچنان مورد استناد گروه‌های تکفیری سوریه و عراق است؛ نک: موقع المنبر التوحید و الجهاد، فتاوی فی تکفیر الرافضة و وجوب قتالهم (آخرین بازدید: آبان ۱۳۹۵):
www.ilmway.com/site/maqdis/MS_28029.html

شرف‌الدین عاملی (۱۲۹۰– ۱۳۷۷ ق) در فصل نهم کتاب *الفصول المهمة فی تألیف الامة*[۱] و علّامه عبدالحسین امینی (۱۳۹۰–۱۳۲۰ ق) در *الغدیر فی الکتاب و السنة والادب* آن را نقد و تقبیح کرده‌اند.

اسامی برخی از منابعی که به ادبیات وحدت نادرشاه پرداخته‌اند عبارت‌اند از:

۱. تاریخ *جهانگشای نادری* تألیفِ میرزا مهدی خان منشی استرآبادی.
۲. *روضة الصفای ناصری* تألیف رضا قلی‌خان هدایت.
۳. *فارس نامه ناصری* تألیف حاج میرزا حسن حسینی فسایی.
۴. *نجات ملّت* تألیف میرزا علی‌اکبر خان روحانی با تقریظ آیت‌الله محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی.
۵. *نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق‌زمین* تألیف استاد سیّدمحمد محیط طباطبایی.

میرزا علی‌اکبرخان روحانی در سال ۱۳۳۸ ق رساله *راه نجات ملت* را جهت احیای طرح نادرشاه افشار بر اساس کتاب *فارس‌نامه ناصری* به‌صورت چاپ سنگی در تهران منتشر کرد.[۲] او راه‌حل مشکل فریقین را در آن می‌داند که مسلمانان نزاع میان خویش را با رعایت مواردِ زیر حل کنند: (۱) با نهایت بی‌غرضی؛ (۲) برای رضای خدا (جهتاً لمرضات الله)؛ (۳) با براهین عقلی؛ و (۴) با لسان لیّن.[۳]

پایان آن کتاب مزین به تقریظی مهم از آیت‌الله شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی[۴] (متوفی ۱۳۰۲ ش) است که در آن می‌نویسد:

> امروز یگانه چیزی که باعث ترقی مسلمانان عالم عموماً و مسلمانان ایران خصوصاً است اتحاد حقیقی و یگانگی معنوی با یکدیگر است ... اگر افکار مرحوم مغفور نادرشاه تاکنون مجری شده بود، ملّت اسلام خصوصاً مسلمانان ایران در ترقی و تعالی، اوّل ملت بودند در عالم؛ به‌هرحال بر هر فردی از افراد مسلمین واجب و لازم

---

۱ سید عبدالحسین شرف‌الدین (۱۴۳۱ق)، *الفصول المهمة فی تألیف الامة*، بیروت: المجمع العالمی لأهل البیت (ع)، ط ۱، ص ۱۲۹.
۲ نسخه‌ای از آن به شماره کتاب‌شناسی ۱۰۹۴۹۶۲ در کتابخانه ملی ایران موجود است.
۳ علی روحانی (۱۳۳۸ق)، *راه نجات ملت*، طهران: مطبعه کلیمیان، چاپ سنگی، صص ۲۳-۲۴.
۴ شیخ محمدتقی مجتهد نجم‌آبادی فرزند ارشد آیت‌الله شیخ هادی نجم‌آبادی، مدفون آرامگاه پدرش واقع در محله شیخ هادی (خیابان امام خمینی). او پس از مرگ پدر از سال ۱۳۲۰ ق امامت و مدیریتِ مسجد و مدرسه حاج شیخ هادی را در محلّه حسن‌آباد تهران بر عهده گرفت.

است که دوگانگی و نفاق کنونی را از مابین فریقین اسلامی مبدّل به یگانگی و اتفاق کلمه فرماید؛ و همگی به مدلول آیه شریفه: (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»[۱] عمل نموده و خود را داخل در مدلول آیه «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)[۲] کما تری خارج نماید تا بدین وسیله آب‌رفته به جوی بازگردد ...[۳]

۲. اتحاد اسلام و اصلاح‌طلبی

منابع دیگر در زمینه وحدت اسلامی میان فریقین با عنوان «اتحاد اسلام» در دوران قاجاریه شکل گرفتند. آغازگر این ادبیات، سیّدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴ – ۱۳۱۴ ق) است که اندیشه‌های خود را در مجله عربی *عروة الوثقی* (چاپ پاریس) مکتوب کرد. مجله مذکور مورد توجه علما و اندیشمندان اسلامی بود و شخصیت‌های مختلفی در جهان اسلام را از خود متأثر کرد که از جمله شیخ محمد عبده که نسل اوّل عالمان دارالتقریب قاهره شاگردان مکتب او هستند؛ و شخصیت‌هایی چون سیّدعبدالرحمن کواکبی (متوفی ۱۳۲۰ ق)، شیخ حسین جسر (متوفی ۱۳۲۷ ق)، امیر شکیب ارسلان (متوفی ۱۳۶۶ ق) و سیّدرشید رضا (متوفی ۱۳۵۴ ق) حضور دارند.[۴]

سیّدجمال واعظ اصفهانی (متوفی ۱۳۲۶ ق) نیز از ایده اتحاد اسلام حمایت می‌کرد.[۵] بعدها آیت‌الله سیدهبةالدین حسینی شهرستانی (متوفی ۱۳۸۶ ق) در رساله *فغان اسلام یا مقدمه نجات کشتی اسلام*[۶] و از معاصران، آیت‌الله سیدهادی خسروشاهی توجه بیشتری به نظریات سیدجمال‌الدین اسدآبادی مبذول کردند. لازم به ذکر است که آیت‌الله هبةالدین شهرستانی از اعضای رسمی دارالتقریب قاهره بود و آیت‌الله خسروشاهی از اعضای مؤسس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هستند.

---

۱ بخشی از سورهٔ آل عمران: ۱۰۳.
۲ بخشی از سورهٔ آل عمران: ۱۲۵.
۳ علی روحانی (۱۳۳۸ ق)، همان، صص ۲۷-۲۸.
۴ محمد محیط طباطبایی (۱۳۵۰)، همان، ص ۱۱۶.
۵ سیّد جمال واعظ اصفهانی، (۲۵۳۷ش)، *شهید راه آزادی سیّد جمال واعظ اصفهانی*، به تصحیح اقبال یغمایی، تهران: توس، صص ۱۹۷ - ۱۹۸.
۶ هبةالدین حسینی شهرستانی (بی‌تا)، *فغان اسلام یا مقدمه نجات کشتی اسلام*، به همت حاج حسن دشتی، لاهور: مطبع بریس، صص ۲۶ و ۳۰.

از تألیفات مهمی که در این شاخه از تألیفات تقریبی نوشته شده است، کتاب *اتحاد اسلام* تألیف شاهزاده ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس قاجار (۱۲۶۴-۱۲۹۹ ق) است. ابوالحسن میرزا متأثر از کوشش‌های سیّدجمال‌الدین اسدآبادی و اصلاحاتِ سلطان عبدالحمید دوم این کتاب را در سال ۱۳۱۲ ق نگاشت که مطالعه آن در فهم سیاست دولت عثمانی درباره «اتحاد اسلام» اهمیت دارد. او در رساله «اتحاد اسلام» از مباحث زائد و حاشیه‌ای مانند نزاع خونین درباره «حدوث و قدم قرآن کریم» که جهان اسلام را قرن‌ها گرفتار تنش و درگیری کرده است، انتقاد می‌کند.[۱] وی یکی از موانع ترقی اسلام را اختلافات و جنگ‌های داخلی میان مسلمانان می‌داند که موجب شده‌اند تا «رونق بازار اسلام» از میان برود و نیازی به اقامه دلیل بر این مطلب نمی‌داند که اختلاف داخلی و جنگ خانگی در میان هر امت و هر ملت مانع توسعهٔ خارجی آن و موجب ضعف می‌شود.[۲] از دید شیخ‌الرئیس قاجار، سرنوشت فریقین در دنیای پر از فتنه کنونی به یکدیگر گره خورده است چنانکه «اضمحلال و فنای هر دو دولت و استقلال و بقای هر دو ملت با یکدیگر ملازمه قهریه دارند».[۳] او تأکید می‌کند که مغلوبیت اهل سنت و جماعت در برابر استعمارگران غربی هرگز وسیلهٔ فوز و فلاح و رابطهٔ خیر و صلاح شیعه نخواهد بود.[۴] هرچند به دلیل انحطاط اخلاقی، مسلمانان هریک از نابودی یکدیگر شادمان می‌شوند.[۵] او ضمن آنکه تصریح دارد که مرادش هرگز تغییر مذهبی آن نیست که شیعه سنی شود و یا سنی شیعه شود.[۶] معتقد است اتحاد سیاسی جهان اسلام باید با محوریت و مرجعیت «سلطنت علّیه عثمانیه» شکل گیرد.[۷]

۳. اندیشه وحدت بر پایه اصول و متون مشترک

اصحاب وحدت اسلامی از دیرباز کوشیده‌اند تا متنی کلی و مشترک را بر پایهٔ منابع اولیهٔ اسلام (قرآن و سنت و عقل سلیم و اجماع) تنظیم کنند که علّامه محمدتقی جعفری مطابق ایده‌اش در باب «حیات معقول» از آن به «وحدت معقول» تعبیر کرده است.[۸] اساس این

---

۱ شیخ‌الرئیس قاجار (۱۳۱۲ق)، *اتحاد اسلام*، بمبئی: به همت سلطان محمد شاه، چاپ سنگی، صص ۲۸-۲۹.
۲ همان، صص ۳۹ -۴۰.
۳ همان، ص ۵۵.
۴ همان، ص ۶۷.
۵ همان، ص ۵۵.
۶ همان، ص ۵۳.
۷ همان، ص ۷۱.
۸ محمدتقی جعفری (۱۳۷۷)، *تکاپوی اندیشه‌ها*، ج۱، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی، صص ۳۰۹-۳۱۱.

دیدگاه مبتنی بر این اندیشه است که مسلمانان در اصول عقاید با یکدیگر وحدت نظر دارند[۱] و از این‌رو می‌توان بر پایه اصول عقاید مشترک متون مشترکی را نیز تهیه کرد که مورد استفاده پیروان فریقین قرار گیرد. آیت‌الله سیّدابوالحسن رفیعی قزوینی موارد وحدت اسلامی را چنین شمارش کرده است:

مسلمانان شیعه و سنی در دین، در خدا، در کتاب، در پیامبر، در قبله، در حج، در نماز، در روزه، در عقیده به فرشتگان و پیامبران الهی و روز قیامت و مانند آن‌که از لوازم ایمان هستند، با یکدیگر متفق و هم‌داستان هستند.[۲]

از نمونه‌های بارز تبلور این اندیشه در دوران معاصر تألیفات آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر در آثاری چون *فلسفتنا* و *اقتصادنا* است که متونی اسلامی بر پایهٔ اندیشه اسلامی است و مورد استقبال و استفاده همه فریقین واقع شده است و دیدگاه‌های معظم‌له درباره بانکداری اسلامی در همه مراکز دانشگاهی جهان اسلام مورد توجه و تحقیق است.

بسیاری از شاگردان شهید صدر به جریان تقریب و وحدت اسلامی پیوستند و از اعضای رسمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بودند (نک: شکل ۱).

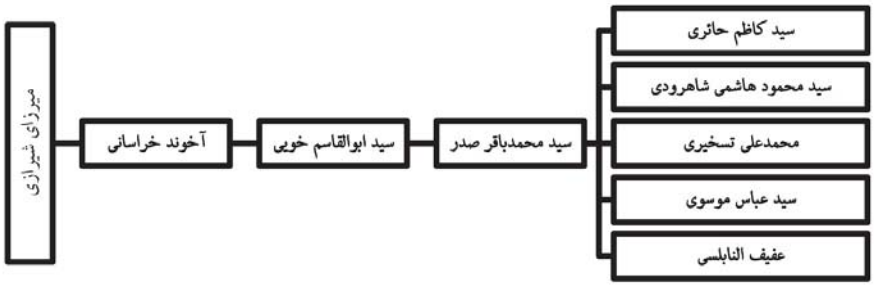

شکل ۱. تبار علمی شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر و شاگردان ایشان

۴. مکتب فقهی آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی

اندیشه فقه مقارن تاریخی بس دراز دارد. کتاب *خلاف* اثر شیخ الطائفه طوسی از قدیمی‌ترین

---

۱ لطف‌الله صافی گلپایگانی (۱۳۷۵)، *سفرنامه حج*، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، صص۲۰۶- ۲۰۷؛ سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۲)، *از دیروز تا امروز؛ مجموعه مقالات*، تهران: نشر قطره، صص ۹۴-۹۵.

۲ ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۷۶)، *غوصی در بحر معرفت شامل ۲۴ رساله علمی و فلسفی و عرفانی*، به کوشش احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام، چ۱، صص ۲۵۸- ۲۵۹.

منابعی است که ما را با سیر تاریخی مسائل فقهی آشنا می‌کند. کتاب مذکور توسط آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی (متوفی ۱۳۸۱ ق) احیاء شد[۱] و با تدریس آیت‌الله‌العظمی بروجردی، فقه مقارن بار دیگر به‌صورت جدی به حوزه‌های علمیه بازگشت. همچنین معظم‌له از شیوه حدیثی خاصی استفاده می‌کرد که بر اساس جلسه درس فقه ایشان در نیمه شعبان ۱۳۷۷ ق به ایجاد «مجمع حدیثی» و نهایتاً تألیف کتاب *جامع الاخبار للشیعة الامامیة* انجامید که طرحی جامع بر اساس فقه مقارن بود. گزارش کاملی از آن را آیات سیدمصطفی کاشفی خوانساری و سیدمحمدباقر موحد ابطحی و واعظزاده خراسانی نگاشته‌اند.[۲]

آیت‌الله‌العظمی سیّدحسین بروجردی تا جای ممکن، احکام را از احادیث استخراج می‌کرد. ابتدا احادیث را به‌صورت موضوعی دسته‌بندی می‌کرد و آنگاه هر دسته را با دسته دیگر مورد مقایسه قرار می‌داد. به سیر تاریخی مسئله و به اقوال قدما توجه ویژه‌ای مبذول می‌کرد. جهت فهم روایت توجه خاصی به فضا و محیط صدور روایت داشت و ازاین‌رو جدا از معنای ظاهری الفاظ روایت، به قرینه حالیه‌ای که از فضای صدور روایت برمی‌آید، توجه کامل داشت و معتقد بود که مجتهد نباید غافل از اقوال و انظار محیط صدور روایت باشد. معظم‌له درصدد استنباط مسائل فقهی از همان افقی بود که در زمان ائمه اطهار – علیهم‌السلام– و یا قدمای فقها مطرح شده بودند. بنابراین به سابقهٔ تاریخی طرح مسئله و بررسی نظرات فقهی پیشوایان چهارگانه اهل سنت توجه داشت؛ چراکه به بیان معظم‌له بسیاری از روایات أئمه اهل بیت ناظر به روایات و فتاوای اهل سنت هستند. پس باید دانست که روایت در چه عصری صادر شده است و در آن زمان چه فتواهایی در میان فقهای مسلمین رایج بوده و امام (ع) درصدد رد کدام فتوا و تصویب کدام یک بوده است.[۳] معظم‌له از بیان اقوال حاشیه‌ای که مسیر تحقیق را از موضوع اصلی خارج می‌کنند، پرهیز می‌کرد. در نقل اقوال به تاریخ صدور آن‌ها توجه داشت و از این رو تعدد فتاوی یک عالم را که در آثار

---

۱ محمّد فاضل لنکرانی (۱۳۶۸)، «مصاحبه با استاد آیت‌الله حاج شیخ محمد فاضل»، *مجله نور علم*، ش ۳۰، صص ۱۴- ۱۵.

۲ جهت شرح بیشتر نک: سید مصطفی کاشفی خوانساری (۱۳۳۸)، *ازدواج در اسلام*، تهران: کتابخانه طهوری، صص ۹-۱۳. مقدمه مذکور کتاب شرحی از نظریه آیت‌الله العظمی بروجردی است؛ محمد واعظزاده خراسانی (۱۳۷۷ق) ،«گفتگو با استاد محمد واعظزاده خراسانی»، *فصلنامه علوم حدیث*، ش ۹، صص ۱۸۴ – ۱۹۶؛ سید محمد باقر موحد ابطحی (۱۳۸۴)، «گزارشی از مصاحبه با آیت الله سید محمد باقر موحد ابطحی» مصاحبه‌کننده: عبدالحسین طالعی، *فصلنامه سفینه*، ش ۷، صص ۱۲۵ – ۱۲۷.

۳ سید محمد باقر موحد ابطحی (۱۳۸۴)، همان، صص ۱۲۴-۱۲۵.

مختلفش پراکنده شده بود، درمی‌یافت و می‌کوشید منطق اختلاف فتوا را بر اساس آخرین فتوای او دریابد. معظم‌له «شهرت قدما را ذاتاً یا در مقام ترجیح حجّت می‌دانست و آن را از شهرت بین متأخرین که بر پایهٔ استنباطات خود، نظریاتی داده‌اند، جدا می‌کرد».[۱]

در شکل ۲ تبار شاگردان تقریبی آیت‌الله‌العظمی سیدحسین بروجردی دیده می‌شود که به‌اشکال مختلف از ایده وحدت اسلامی و تقریب فقهی مسلمانان حمایت کرده‌اند. از دید آیت‌الله‌العظمی بروجردی باید بجای دامن زدن به اختلافات، بر ضرورت تمسک به اقوال و فتاوای عترت طاهره علیهم‌السلام تأکید کرد تا مسلمان‌ها گرد هم آیند و از اختلاف مذاهب جلوگیری شود. ازاین‌رو بر حدیث ثقلین «إنی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...» بسیار تأکید می‌کرد و به دستور او رسالهٔ حدیث الثقلین توسط آیت‌الله وشنوی قمی تألیف و از سوی دارالتقریب قاهره منتشر شد.[۲] لازم به‌ذکر است که شیخ محمدتقی قمی نیز که نقش محوری در تأسیس دارالتقریب قاهره داشت، هرچند مستقیماً شاگرد آیت‌الله‌العظمی بروجردی نیست، ولی می‌توان وی را ملحق به شاگردانش دانست.

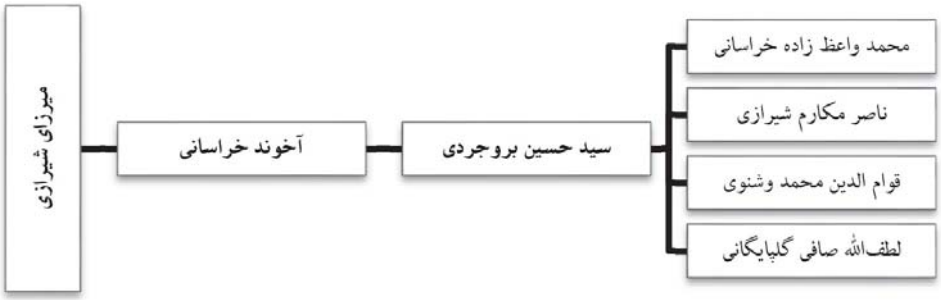

شکل ۲. تبار علمی آیت‌الله سیدحسین بروجردی و شاگردان ایشان

مکتب آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خویی

از شاگردان مطرح آخوند خراسانی (۱۲۵۵ – ۱۳۲۹ق)، آیات آقاضیاء الدین عراقی و میرزای

---

۱ سید موسی شبیری زنجانی (۱۳۹۲)، *جرعه‌ای از دریا*، قم: انتشارات مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، چ۵، ص ۱۱۴.

۲ محمد واعظزاده خراسانی (۱۳۷۴)، همان، صص ۲۷۵-۲۷۶؛ محمدعلی تسخیری (۱۳۹۰)، *گزیده‌ای از اندیشه برخی از شخصیت‌های تقریبی*، گردآورنده محمدحسن تبرائیان، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چ ۱، ص ۹۳.

نائینی و آقا شیخ محمد حسین اصفهانی (کمپانی) هستند که از میان شاگردان ایشان حوزه تدریس آیت‌الله‌العظمی سیدابوالقاسم خویی اهمیت دارد. شاگردان شهیر او از قبیل آیات سیدعلی حسینی سیستانی، سیدمحمدحسین فضل‌الله، حسن سعید تهرانی، محمدمهدی شمس‌الدین، سیدمحمدباقر صدر، سیدموسی صدر، محمدجواد مغنیه، محمدمهدی آصفی، محمدتقی جعفری، محمد آصف محسنی و استاد سیدجعفر شهیدی از داعیان وحدت اسلامی و حامیان دارالتقریب قاهره بودند. اینان نیز با سه واسطه به میرزای شیرازی می‌رسند (نک: شکل ۳).

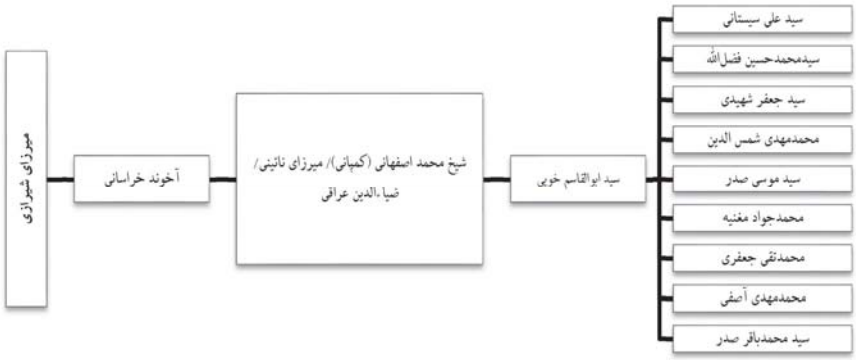

شکل ۳. تبار علمی شاگردان آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی

مکتب آخوند خراسانی

آخوند خراسانی[۱] و شاگردانش همچون آیات سیدمصطفی کاشانی،[۲] محمدحسین کاشف الغطاء، محمدحسین قمشه‌ای،[۳] سیدصدرالدین صدر،[۴] میرزا مهدی خراسانی[۵] و شماری دیگر

---

۱ کامل سلمان الجبوری (۱۴۳۶ق)، *المواقف المشتركة لعلماء العراق و ايران ضد الغزو الأجنبي للبلاد الإسلامية ۱۹۰۵ – ۱۹۲۰ م دراسة تأريخية وثاقفية*، ج۲،قم: مجمع الذخائر الإسلامية بالتعاون مع مؤسسة آل‌البيت عليهم السلام لإحياء التراث، صص ۴-۵؛ محمدحسن رجبی (۱۳۷۸)، *رسایل و فتاوای جهادی شامل رساله‌ها و فتواهای علمای اسلامی در جهاد با قدرتهای استعماری*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ۱، صص ۲۴۳ – ۲۴۴.

۲ کامل سلمان الجبوری (۱۴۳۶ق)، همان، ج۲، ص ۲۸؛ محمدحسن رجبی (۱۳۷۸)، همان، صص ۲۴۶ و ۲۸۳.

۳ محمدحسن رجبی (۱۳۷۸)، همان، صص ۲۴۶-۲۴۷.

۴ کامل سلمان الجبوری (۱۴۳۶ق)، همان، ج۲، ص ۵؛ محمدحسن رجبی (۱۳۷۸)، همان، ص ۲۹۲.

۵ محمدحسن رجبی (۱۳۷۸)، همان، ص ۳۰۳.

از علمـای اسـلام، از طریـق صـدور فتـاوای جهـادیِ علیـه اسـتعمار بریتانیـا بـه حمایـت از سرزمین‌های اسلامی (دولت عثمانی) پرداختند. برخیَ دیگـر از شـاگردان آخونـد خراسـانی، همانند آیات سیدحسین بروجردی، سیدهبةالدین شهرسـتانی، سیدمرتضـی رضـوی کشـمیری، سیدمحسن امین عاملی، سیدعبدالحسین شرف‌الدین، محمد صالح حائری (سمنانی) و قوام‌الـدین محمد وشنوی با دارالتقریب قاهره همکاری داشتند (نک: شکل ۴).

شکل ۴. تبار علمی حلقه شاگردان آخوند خراسانی

مکتب آیت‌الله‌العظمی عبدالکریم حائری یزدی

یکی از مهم‌ترین کانون‌های اجتماع علمای تقریبی، مکتب آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی در قم است که بعدها با مکتب فقهی آیت‌الله سیدحسین بروجردی تلاقی پیدا کرد. شخصیت‌های برجسته‌ای در مکتب ایشان تلمذ کردند که برخی از چهره‌های بزرگی در جهان اسلام گردیدند (نک: شکل ۵).

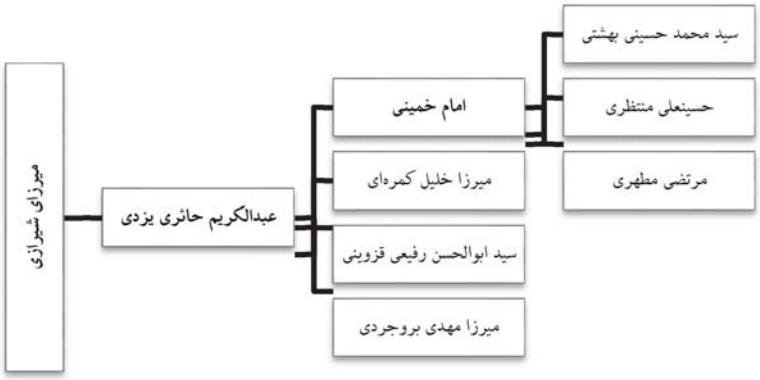

شکل ۵. تبار علمی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

بررسی و تحلیل تبار علمای تقریبی امامیه

چنانکه مشاهده شد، در دوران معاصر چهار دسته ادبیات درباره وحدت اسلامی و تقریب میان مذاهب اسلامی شکل گرفته است. پایه اصلی همه این گرایش‌ها مبتنی بر این موضوع است که اختلاف میان فریقین در فروع اسلام و نه در اصول آن است. در مقابل از دیدِ وهابیان که مهم‌ترین دشمنان داخلی وحدت اسلامی در جهان اسلام هستند، اختلاف میان اهل سنت و امامیّه در اصول و نه در فروع دین اسلام است؛ یعنی آنان محل اصلی نزاع را درباره اعتقاد به الله (جلّ جلاله)؛ نبوت حضرت رسول‌الله (ص) و سندیت قرآن کریم فرض کرده‌اند و چنین اتهاماتی لاجرم به تکفیر مذهب امامیّه می‌انجامد. چنانکه شیخ ابوالسمح پیش‌نماز وقت مسجدالحرام در تقریظ خود بر کتاب *الصراع بین الاسلام و الوثنیة* تألیف عبدالله القصیمی (م ۱۴۱۶ق) چنین سروده است:

لَقَـدْ کُنّـا نَعـدُّ الـرَفْضَ جُرْمـاً فَـــبَیَّن کُفْـــرَهُ هـــذا الصِّـــراع

پیش‌تر رافضی بودن را گناه می‌پنداشتیم و اکنون کتاب *الصراع* بـر مـا کفـر رافضـی‌هـا را برملا کرد![1]

در چنین فضایی علمای امامیّه به پاسخ به شـبهات و اتهامـات مـذکور پرداختنـد؛ خاصّـه آنکه ستایش بی‌حدوحصر برخی از وهابیان از یزید بن معاویه[2] و گستاخی ابـراهیم الجبهـان به وجود مقدس حضرت امام جعفر صادق – علیه‌السلام–[3] ضرورت تـألیف منـابعی جدیـد، متقن و مستدل را ایجاب می‌کرد. ازاین‌رو، مجموعه‌ای از نفیس‌ترین منابع عقلی و نقلی، هـم از حیث محتوا و هم از حیث روش و ساختار، در بیـان عقیـده امامیّـه و رد اتهامـات وهابیـان نگاشته شد که نکته مهم آن است که تمامی این آثار در ضمن دفاع از عقیده امامیه، از تقریب مذاهب اسلامی و وحدت میان مسلمانان دفاع کرده‌اند. از میان آن‌ها می‌توان بـه رسـاله‌هـا و کتاب‌های زیر اشاره کرد:

۱. *حول العقائد الامامیة* تألیف آیت‌الله علّامه حـاج سیّدابوالحسـن رفیعـی قزوینـی (۱۳۱۵ – ۱۳۹۵ ق) از شاگردان آیت‌الله العظمی حائری.
۲. *کلمات الحجج العامرة فی ظلمات اللجج الغامرة فی دفع مفتریـات علـی الإمامیـة* تألیف آیت‌الله علّامه حـاج شـیخ محمـد صـالح مازنـدرانی (سـمنانی) (۱۲۹۷ – ۱۳۹۱ ق) از شاگردان آخوند خراسانی.
۳. مجلد سوم *الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب* تألیف آیت‌الله علّامه حـاج شـیخ عبدالحسین امینی (۱۳۲۰ – ۱۳۹۰ ق) از شاگردان آیت‌الله العظمی حائری یزدی که بخش عمده‌ای از آن به نقد آرای وهابیان درباره امامیه اختصاص دارد.[4]
۴. مکاتبات و سخنرانی‌های آیت‌الله علّامه حاج شیخ عبـدالکریم زنجـانی (۱۳۰۴– ۱۳۸۸ق) که توسط شیخ محمد سعید ثابت در کتابی با عنوان *الشیخ الزنجـانی و*

---

۱ خلیل کمره‌ای (۱۳۸۲ق)، *پیام ایران به نجد و حجاز و مصر*، تهران: انتشارات کتابخانه شمس، ص ۴۳.

۲ خلیل کمره‌ای (۱۳۹۷ق)، *سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه اسمعی یا حجاز*، تنظیم و تصحیح ناصـرالدین کمـره‌ای، تهران: بی‌نا، صص ۷۸-۷۹.

۳ ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۷۶)، همان، ص ۲۶۰.

۴ نک: عبدالحسین امینی (۱۴۱۶ق)، *الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب*، ج۱، قم: مرکـز الغـدیر للدراسـات الاسـلامیة، صـص ۱۰۶-۳۴۹.

الوحدة الاسلامیة جمع‌آوری شده است. از شاگردان سیدمحمدکاظم یزدی.

۵. کتاب *نجاة المسلمین* تألیف آیت‌الله علّامه حاج شیخ محمد خالصی (۱۳۰۸ – ۱۳۸۳ ق) از شاگردان آخوند خراسانی.

۶. کتاب‌های *سروش مقدس* و *پیام ایران به نجد و حجاز و مصر* تألیف آیت‌الله علّامه حاج میرزا خلیل کمره‌ای (۱۳۱۷ – ۱۴۰۵ ق) از شاگردان آیت‌الله العظمی حائری یزدی.

۷. کتاب *مع الخطیب فی خطوطه العریضة* تألیف آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی از شاگردان آیت‌الله العظمی بروجردی.

چنانکه در شجره علمای تقریبی امامیه دیده می‌شود، تمامی آنان دارای مشربی اصولی و متأثر از شجرهٔ آموزشی‌ای هستند که توسط علامه وحید بهبهانی (۱۱۱۷ – ۱۲۰۵ق) احیا شد. علّامه وحید بهبهانی به تربیت نسلی از فقهای بزرگ همچون آیات عظام سیدبحرالعلوم (۱۱۵۵ – ۱۲۱۲ق)، محمدحسن نجفی معروف به صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق)، جعفر کبیر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق)، محمدمهدی شهرستانی (۱۱۳۰ – ۱۲۱۶ق)، سیدمحسن اعرجی (م ۱۲۲۸ق) و مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ق) پرداخت که در تثبیت رویکرد اصولی بر آموزش حوزوی سخت نقش‌آفرین بوده‌اند. طبقه فقهای بعدی یعنی آیات عظام شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق) و شاگردانش به‌ویژه سیدمحمدحسن شیرازی معروف به میرزای شیرازی (۱۱۹۴– ۱۲۷۳ق) در تثبیت و گسترش دستاوردهای علّامه وحید بهبهانی توفیقی عظیم یافتند و چنانکه آیت‌الله سیدموسی شبیری زنجانی اشاره دارد، در تاریخ شیعه شاگردان دو شخصیت علمی امامیه مهم‌ترین شاگردان اعصار شدند: «یکی وحید بهبهانی است و دیگری میرزای شیرازی».[۱] میرزای شیرازی دارای تمامی ارکان چهارگانه مرجعیت یعنی (علم، تقوا، اخلاق و عقل) بود و این ادعا از بررسی شاگردان برجسته تربیت‌یافته مکتب او به‌خوبی اثبات می‌شود.[۲]

شجرهٔ اصلی آموزشی علمای تقریبی کنونی شیعه عموماً به حوزهٔ تدریس میرزای شیرازی متصل می‌شود که از طریق دو شاخه اصلی آن یعنی شاگردان شیخ عبدالکریم حائری در ایران و شاگردان آخوند خراسانی صاحب کتاب *کفایة الاصول* در عراق محقق شده است و باید توجه داشت که سه محفل درس تدریس مکتب اصولی در عراق یعنی محافل درسی میرزا

---

۱ سید موسی شبیری زنجانی (۱۳۹۲)، *جرعه‌ای از دریا*، ج۱، ص ۱۱۳.

۲ همان، ج۱، صص ۱۱۱-۱۱۳.

حسین نائینی، آقا ضیاء عراقی و محمدحسن اصفهانی و نیز محفل درس آیت‌الله سیدابوالقاسم خویی ادامه و امتداد حوزه درسی آخوند خراسانی است. نقطهٔ قوت این نظام آموزشی در همه شاخه‌های آن است که باید متن‌خوانی را در مباحثه و مناظره آزمود تا قوهٔ اجتهاد حاصل آید. بنابراین شاگردان تابع محض استادان نیستند، ولی تا زمانی که در چارچوب مؤلفه‌های اصلی شجره آموزشی خود عمل کنند، در کلیات با اساتید خود هم‌داستان‌اند.

این نکته را نباید نادیده گرفت که داعیان شیعی تقریب مذاهب فریقین به‌صورت معناداری در کنار تحصیل فقه، عرفان و حکمت اسلامی را نیز آموخته‌اند. برای مثال، سیدمصطفی کاشانی (۱۲۶۴–۱۳۳۶ق) در نزد جهانگیرخان قشقایی (م ۱۳۲۸ق) و یا سیدحسین بروجردی در نزد جهانگیرخان قشقایی و حاج رحیم ارباب (۱۲۹۷–۱۳۹۶ق) و سیدمحمدباقر درچه‌ای اصفهانی (۱۲۶۴ – ۱۳۴۲ق) و سیدابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۱۳ – ۱۳۹۵ق) در نزد میرزا حسن کرمانشاهی (م ۱۳۳۶ق) و محمد هیدجی زنجانی (م ۱۳۳۹ق) و امام خمینی (۱۳۲۹ – ۱۴۰۹ق) در نزد محمدعلی شاه‌آبادی (۱۲۹۲– ۱۳۶۹ق) و سیدابوالحسن رفیعی قزوینی تحصیل حکمت کرده‌اند. این آموزشها تنها به حوزه‌های علمیه ایران اختصاص نداشته است و علمای بزرگ نجف اشرف نیز به تحصیل حکمت پرداخته‌اند؛ همچون سیدمحمدهادی میلانی (۱۳۱۳– ۱۳۹۵ق) در نزد محمدحسین غروی اصفهانی (۱۲۹۶–۱۳۶۱ق) و سیدمحمدباقر صدر (۱۳۵۳–۱۴۰۰ق) و سیدمحمدحسین فضل الله (۱۳۵۴–۱۴۳۱ق) در نزد علامه شیخ صدرا بادکوبه‌ای (م ۱۳۹۴ق).

نتیجه‌گیری

چهار دسته ادبیات تقریبی در جهان اسلام موجود است که با پیوند زدن آنها به یکدیگر می‌توان نقشه راه اقدام مؤثر عالمان تقریبی در جهان اسلام را ترسیم کرد. بی‌تردید اساس تقریب مذاهب اسلامی بر پایهٔ اصول مشترک است و هرچه منابع علمی و معتبر بر اساس اصول مشترک (توحید، نبوت، قرآن مجید، قبله واحد، حج و روزه واحد و ...) تولید شود، اندیشه تقریب گسترش می‌یابد. نظریه‌پردازی‌های شهید سیدمحمدباقر صدر در زمینه بانکداری اسلامی نمونه خوبی از این کوشش‌ها است که متونی اسلامی بر پایه اصول مشترک و مورد قبول همه مسلمانان را تدوین کرده است.

از سوی دیگر تجربه ناکام نادرشاه افشار نشان از اهمیت و ضرورت همراهی حاکمان

سیاسی در مسیر تقریب مذاهب اسلامی دارد. بدین منظور باید علمای فریقین، نسبت‌های ناروا و بی‌مأخذ درباره یکدیگر را از میان بردارند تا جوّ مساعد برای تصمیم‌گیری‌های سیاسی درباره جهان عاری از خشونت و تکفیر شکل گیرد.

چنانکه دیده شد بدنهٔ اصلی جریان تقریب مذاهب اسلامی (بی‌واسطه یا باواسطه) برخاسته از حوزهٔ علمیه نجف اشرف است و شجرهٔ آموزش فقهی عالمان تقریب به میرزای شیرازی و از آن طریق به علامه وحید بهبهانی بازمی‌گردد. در انشعابات درس میرزای شیرازی، به لحاظ آموزش شاگردان تقریبی، شاخه‌ها و زیرشاخه‌های آخوند خراسانی، عبدالکریم حائری یزدی، سیدحسین بروجردی، امام خمینی، سیدابوالقاسم خویی و شهید سیدمحمدباقر صدر اهمیت دارند.

همچنین با اتصال ادبیات اصلاح‌طلبی اتحاد اسلام که با نگاهی استعمارستیز و اجتماعی به موضوع می‌نگرد، با توجه به دغدغه‌های فقه مقارن، مخاطبان وحدت اسلامی به‌مراتب افزایش می‌یابند. مشکل استعمار، فقر ملل اسلامی، موضوع بیداری اسلامی، مبارزه با مظاهر مادی تجدد غربی و موارد دیگر مسائل مشترک جهان اسلام است و همچنان‌که دشمن مشترک موجب همگرایی فریقین می‌شود، نیازها و مسائل مشترک نیز هر یک زمینه‌هایی برای همکاری و همیاری فراهم می‌کنند.

بنابراین برای گسترش جغرافیای تقریب مذاهب اسلامی نیازمند پیوندی خلاقانه میان چهار دسته ادبیات تقریبی معاصر هستیم که محور عقیدتی آن بر پایه اصول مشترک و محور عملیاتی آن در میان علمای فریقین با همراهی سیاستمداران و مصلحان اجتماعی است. موفقیت ایده تقریب مذاهب اسلامی درگرو پیوند چهار تجربه تاریخی فوق‌الذکر در کنار یکدیگر است و ازاین‌رو هیچ‌یک از موارد مذکور را نباید جدای از هم و یا بی‌نیاز از یکدیگر دید.

منابع و مآخذ

- قرآن مجید
- استرآبادی، میرزا مهدیخان (۱۳۸۴)، *درّه نادره، تاریخ عصر نادرشاه*، مصحح سیّدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ۳.
- امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق)، *الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب*، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۰)، *گزیده‌ای از اندیشه برخی از شخصیت‌های تقریبی*، گردآورنده محمدحسن تبرائیان، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

- الجبوری، کامل سلمان (۱۴۳۶ ق)، *المواقف المشترکة لعلماء العراق و ایران ضد الغزو الأجنبی للبلاد الإسلامیة ۱۹۰۵ - ۱۹۲۰ م دراسة تأریخیة وثاقفیة*، قم: مجمع الذخائر الإسلامیة بالتعاون مع مؤسسة آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷)، *تکاپوی اندیشه‌ها*، تهران: دفتر نشر فرهنگی اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حسینی فسایی، میرزاحسن (۱۳۷۸)، *فارسنامه ناصری*، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر
- رجبی، محمدحسن (۱۳۷۸)، *رسایل و فتاوای جهادی شامل رساله‌ها و فتواهای علمای اسلامی در جهاد با قدرتهای استعماری*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روحانی، علی (۱۳۳۸ ق)، *راه نجات ملّت*، طهران: مطبعه کلیمان، چاپ سنگی.
- رفیعی قزوینی، ابوالحسن (۱۳۷۶)، *غوصی در بحر معرفت شامل ۲۴ رساله علمی و فلسفی و عرفانی*، به کوشش احمد سیاح، تهران: انتشارات اسلام.
- السبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق) *رسائل و مقالات*، قم: مؤسسة الإمام الصادق علیه‌السلام.
- شهرستانی، هبةالدین حسینی (بی‌تا)، *فغان اسلام یا مقدمه نجات کشتی اسلام*، به همت حاج حسن دشتی، لاهور: مطبع بریس.
- شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۳۹۲)، *جرعه‌ای از دریا*، قم: انتشارات مؤسسه کتابشناسی شیعه، چ۵.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۷۲)، *از دیروز تا امروز، مجموعه مقالات*، تهران: نشر قطره.
- شیخ‌الرئیس قاجار (۱۳۱۲ ق)، *اتحاد اسلام*، به همت سلطان محمد شاه، بمبئی، چاپ سنگی.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۷۵)، *سفرنامه حج*، قم: چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: انتشارات فردوس، چ۸.
- فاضل لنکرانی، محمّد (۱۳۶۸)، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ محمد فاضل»، *مجله نور علم*، ش ۳۰.
- کمره‌ای، خلیل (۱۳۹۴)، *کلید امن جهان در پرتو کلام رسول خدا (ص)*، با مقدمه و تحقیق کامیار صداقت ثمرحسینی، تهران: فرهنگ مشرق زمین.
- ـــــ (۱۳۹۷ق)، *سروش مقدس وادی ایمن مکه و مدینه اسمعی یا حجاز*، تنظیم و تصحیح ناصرالدین کمره‌ای، تهران: بی‌نا.
- ـــــ (۱۳۸۲ ق)، *پیام ایران به نجد و حجاز و مصر*، تهران: انتشارات کتابخانه شمس.
- کاشفی خوانساری، سیدمصطفی (۱۳۳۸)، *ازدواج در اسلام*، تهران: کتابخانه طهوری.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ط ۲.
- مجموعة الباحثین (۱۴۱۷ ق)، *مسالة التقریب بین المذاهب الاسلامیة اسس و منطلقات*، التصدیر عبدالله العلایلی، بیروت: دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیة.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۵۰)، *نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق‌زمین*، مقدمه و ملحقات هادی خسروشاهی، قم: دارالتبلیغ اسلامی.

- موحد ابطحی، سید محمد باقر (۱۳۸۴)، «گزارشی از مصاحبه با آیت الله سیدمحمد باقر موحد ابطحی» مصاحبه کننده عبدالحسین طالعی، *فصلنامه سفینه*، ش۷.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۴)، *ندای وحدت*، *تهران*: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- ـــــ (۱۳۷۷ ق)، «گفتگو با استاد محمد واعظزاده خراسانی»، *فصلنامه علوم حدیث*، ش۹.
- واعظ اصفهانی، سیّدجمال (۲۵۳۷ش)، *شهید راه آزادی سیّدجمال واعظ اصفهانی*، تصحیح اقبال یغمایی، تهران: توس.